

دنیای عجیب تمبرباها

شراره داودی

مجله مهر

گزارش ویژه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ خورشیدی

کد خبر ۴۲۵۱۴۲۸

تمبرها مدارک پستی کوچکی هستند که طی سالیان از اینکه تنها استفاده پستی داشته باشند، جایگاه مهمتری پیدا کردند تا جایی که امروزه هر کدامشان قیمت های بالایی دارند .



مجله مهر: از مدرسه تعطیل شده بودم و باید با دوستانم به خانه می رفتم، اما مسیر امروزم فرق می کرد؛ بادی به غیب انداختم و گفتم: «امروز با شما نمیام، می خوام برم اداره پست.» همین جمله کافی بود تا توجه همه را به خودم جلب کنم، بعد هم چشم های پرسشگر شان را بی جواب گذاشتم و مسیرم را به خیابان بالایی تغییر دادم.

دلهره داشتم، اولین بار بود که به اداره پست می رفتم و اصلا نمی دانستم باید چه حرفی بزنم. آن طرف خیابان اداره پست را از روی صندوق زرد پست پیدا کردم، داخل شدم و گفتم: «می خوام نامه پست کنم.» اشاره کردند که آنطرف بروم. آقای خوش اخلاقی بود که برایم توضیح داد روی پاکت نامه چطور بنویسم و برای تهران چه تمبری بخرم. در دلم می گفتم «خودم همه را بلدم، قبل از اینکه بیایم همه اینها را یاد گرفته ام.» اما در ظاهر گوش دادم. آدرس ها را نوشتم، تمبر پروانه ای زرد رنگ ۳۰ تومانی را برخلاف توضیح آقای اداره پست که گفته بود با وسیله ای که آن جاست خیس کنم، زبان زدم و روی پاکت چسباندم!

نصف راه را رفته بودم، حالا بخش هیجان انگیز ماجرا بود، از اداره پست بیرون رفتم، با قدم های استوار به سمت صندوق پست حرکت کردم، در حالی که به دو طرف خودم نگاه می کردم تا آدم های دیگر را ببینم، نامه را در صندوق انداختم و سرخوشانه به خانه برگشتم!

بعد از این روز، بارها و بارها برای نامه پست کردن به اداره پست رفتم. در دوران دبیرستان برای دوست هم کلاسی ام که هر روز همدیگر را می دیدیم، نامه می نوشتم تا لذت نامه پست کردن و نامه گرفتن را تجربه کنیم.

اما همه نامه نگاری به تمبر بود، هر از گاهی شکل شان تغییر می کرد و من هر بار یک یا دو تمبر را نگه می داشتم که وقتی طرح شان عوض شد، قبلی را داشته باشم. آنقدر این اتفاق افتاد که پاکتی پر از تمبر داشتم و

همین زمان پیشنهاد جمع کردن یک آلبوم تمبر را گرفتم. پیشنهادی که خیلی زود میسر شد و آلبوم تمبرم را از همان تمبرهایی که خودم جمع کرده بودم، حاضر کردم.



با آداب تمبر جمع کنید:

اما خیلی زود فهمیدم تمبر جمع کردن آدابی دارد که باید از قدیمی های این کار یاد گرفت. این طور نیست که هر مدل و هر تعداد تمبر خواستیم را بخریم و بعد در یک آلبوم نگهداری کنیم. البته با وجود اینکه رشد تکنولوژی تاثیر مستقیمی روی نامه نگاری و استفاده از تمبر داشته است، با این حال صنعت تمبر با توجه به اینکه چاپ آنها متأثر از اتفاقات جامعه است و ماندگاری هم دارند، از همین رو انتشار تمبرها اهمیت زیادی برای باقی ماندن دارند.

همین اهمیت تاریخی تمبرهاست که جمع کردن آنها را هیجان انگیز می کند، تصور کنید سال ها بعد در یک آلبوم طرح هایی را از دهه ۲۰ یا ۳۰ ایران ببینید که درباره مهم ترین اتفاقات روز بوده اند یا تمبرهایی که سالانه برای پیروزی انقلاب اسلامی منتشر می شود، هر سال طرح های متفاوتی دارد که می تواند روند تغییرات در حوزه هایی مانند گرافیک، نقاشی یا موضوعات مهم روز را در آنها دید.



از طرفی در جمع کردن تمبر باید بدانیم که یک عاج یا دندان از تمبرها از بین نرفته باشد، چون دندان های آن خیلی مهم است و اگر خراب شده باشد، دیگر ارزش ندارد. تمبری که تا خوردگی و پارگی داشته باشد هم دیگر ارزش ندارد. همچنین اگر چسب اصلی خودش را هم دیگر نداشته باشد ارزش ندارد و در دسته تمبرهای باطله قرار می گیرد. تمبرهایی که مهر دارند هم خیلی ارزش ندارند، مگر نمونه های خیلی قدیمی و خارجی که اصلا بدون مهر آنها پیدا نمی شود.

نکته دیگری که باید درباره جمع کردن تمبرها گفت این است که در ابتدای راه، سال آلبوم تمبر از سال تولد صاحب آلبوم شروع می شود و مثلا کسی که متولد سال ۷۰ است، باید همه تمبرهای سال ۷۰، بعد ۷۱ و همین طور تا زمان حال را جمع کند، بعد سراغ تمبر سال های دیگر برود.

بریم تمبر بخریم؟

یک روز از روز های اسفند ماه در مسیر خیابان فردوسی به سمت چهار راه استانبول راه افتادیم و سراغ تمبر فروش ها را گرفتیم، آنهایی که سالیان سال در این مسیر با کیف شان نشسته‌اند و بی توجه به سر و صدا های صرافی های اطراف سرگرم چیدن تمبر ها، پول ها و سکه های قدیمی خودشان می‌شوند. در چند سال گذشته بازار خرید و فروش تمبر حال و روز خوبی نداشته و به همین دلیل تعداد کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کرده‌اند، روز به روز کمتر شده و امروزه خیلی از آن‌ها به کار های دیگری در کنار تمبر داشتن، مشغول هستند.

یکی از این افراد فرهاد حشمتی است که ۵۴ سال سن دارد و حالا ۱۵ سالی می‌شود تمبر فروشی می‌کند؛ این را در ابتدا نمی‌دانستم، بعد از یک ساعت گپ و گفت اعتماد کرد و نامش را گفت و از سال های حضور در کار تعریف کرد. من هم تمبر خریدم، چیزی در حدود ۷۰ هزار تومان تمبر و کتاب خریدم، آنقدر درباره آلبوم خودم صحبت کردم تا در میان صحبت هایش اطلاعاتی از تمبر باز بودن بدست بیاورم. البته در پایان برای انتشار صحبت ها و عکس‌هایش از او اجازه گرفتم.



نسل باقی‌مانده تمبر بازها:

فرهاد حشمتی می‌گوید که فروش تمبر های شاه‌ی بیشتر از تمبر های بعد از انقلاب است، خودش هم دلیل را در قدیمی بودن آنها می‌داند، او تمبر هایی که خودش جمع کرده را برای فروش می‌گذارد، اما این طور نیست که آرشیو تمبر هایش بهم بریزد، بلکه از همه آنها مجموعه کاملی دارد و مازاد را برای فروش می‌آورد.

حشمتی درباره کم شدن تمبر فروش ها هم توضیح می‌دهد: «تمبر فروش های کمی باقی مانده اند، خیلی از آنها یا از دنیا رفته‌اند یا تغییر شغل داده‌اند چون دیگر سودی در این کار نیست. خیلی از این افراد تمبر های خودشان را به دیگران می‌فروشدند و از این کار می‌روند.»

از او می‌پرسم که اگر آرشیو کردن تمبر های قدیمی سود بیشتری دارد، فقط آنها را بخرم که می‌گوید: «این طور نیست که تمبر های قدیمی لزوماً گران تر از بقیه باشند، بعضی از تمبر ها هم هستند که با وجود جدید بودن زیاد نیستند و همه آنها را ندارند و به همین دلیل آرشیو کردن آنها سود هم دارد. برای مثال تعداد تمبر های شهدا کم است و یک نفر هم هر چیزی که تولید می‌شود را می‌خرد و دست خودش گرفته است. برای همین هرچه تمبر شهدا دیدید را بخرید!»

از حشمتی درباره نحوه قیمت گذاری تمبر ها می‌پرسم که می‌گوید: «کتابی هست که قیمت تمبرها را در سال های مختلف مشخص کرده، اما معمولاً همه قیمت های خودشان را هم دارند، به کم و زیاد بودن تمبر ها، سالم بودن آنها و موارد این چنینی بستگی دارد که تمبر فروش چه قیمتی به مشتری بدهد.» از او می‌پرسم که اگر

قیمت های خیلی بالا برای تمبر های خودش که مربوط به کلکسیون شخصی اش است، بدهند؛ وسوسه نمی شود که آنها را بفروشد؟ جوابش یک کلمه است «اصلا»!



او که همه قیمت ها و سال ها و مناسبت های تمبرها را حفظ است، اما در جواب این سوال که گران ترین تمبری که فروخته است، کدام بوده و به چه مبلغی، خیلی کوتاه می گوید «نمی دانم، یادم نیست!»

حشمتی از ۱۰-۱۲ سالگی تمبر جمع می کرده و می گوید در زمان کودکی اش هر کسی دوست داشته چیزی را جمع کند، او هم سکه و تمبر را انتخاب می کند و امروز هم با فروش همان ها درآمد هم دارد. البته با خنده می گوید که سکه ها برای جمع کردن بهتر هستند، چون در زمان فروش هم پول بیشتری دست آدم را می گیرد!



حالا تمبر جمع کنیم:

خلاصه اگر می خواهید آلبوم تمبر داشته باشید یا تمبر باز شوید، اول به این خیابان سر بزنید، درست است که آدم های زیادی در این حوزه باقی نمانده اند و مغازه های تمبر فروشی هم خیلی بداخلاق هستند و جواب درستی نمی دهند، اما فرهاد حشمتی را که تقریباً تنها بازمانده تمبر فروش های کنار خیابان در چهار راه استانبول است، می بینید و می توانید تمبرهای خوبی هم بخرید. به او بگویید می خواهید کلکسیون جمع کردن را تازه شروع کنید، مطمئن باشید بیشتر از بقیه تحویل تان می گیرد و حتی کمک می کند تمبر های خوبی را برای شروع مسیر بخرید، از همه مهم تر اینکه تخفیف هم می دهد!